مردم مانند معادن طلا و نقره هستند؛ آنان که در جاهلیت بهترین مردم بودند، در اسلام نیز بهترین مردم هستند، البته به شرطی که شناخت و دانش دینی داشته باشند. و ارواح مانند سپاهیان و دسته های گوناگون یک سپاه هستند؛ آنها که یکدیگر را بشناسند (و ویژگی های یکسانی داشته باشند)، با هم الفت می گیرند و آنها که یکدیگر را نشناسند، از هم دور می شوند و با هم اُنس نمی گیرند.

از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «النَّاسُ معَادِنُ كَمَعَادِنِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ، خِيَارُهُمْ في الجَاهِلِيَّةِ خِيارُهُمْ في الإِسْلامِ إِذَا فَقهُوا. وَالأَرْوَاحُ جُنُودٌ مُجنَّدَةٌ، فَمَا تَعَارَفَ مِنْهَا ائْتَلَفَ، وَمَا تَنَاكَرَ مِنْهَا اخْتَلَفَ»: «مردم مانند معادن طلا و نقره هستند؛ آنان که در جاهلیت بهترین مردم بودند، در اسلام نیز بهترین مردم هستند، البته به شرطی که شناخت و دانش دینی داشته باشند. و ارواح مانند سپاهیان و دسته های گوناگون یک سپاه هستند؛ آنها که یکدیگر را بشناسند (و ویژگی های یکسانی داشته باشند)، با هم الفت می گیرند و آنها که یکدیگر را نشناسند، از هم دور می شوند و با هم اُنس نمی گیرند». و از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «تَجِدُونَ النَّاسَ مَعادِنَ: خِيَارُهُم في الجَاهِلِيَّةِ خِيَارُهُمْ فِي الإِسْلاَمِ إِذَا فَقِهُوا، وتَجِدُونَ خِيَارَ النَّاسِ في هَذَا الشَّأنِ أَشَدَّهُمْ كَرَاهِيَةً لَهُ، وَتَجِدُونَ شَرَّ النَّاسِ ذَا الوَجْهَينِ، الَّذِي يَأتِي هؤُلاءِ بِوَجْهٍ، وَهَؤُلاءِ بِوَجْهٍ»: «مردم را مانند معادنِ (طلا و نقره) می یابید؛ آنان که در جاهلیت بهترین مردم بودند، در اسلام نیز بهترین مردم هستند، البته به شرطی که شناخت و دانش دینی پیدا کنند. و بهترین مردم را در امر خلافت کسانی می یابید که پذیرش آن را ناگوار می شمارند و بدترین مردم را افراد دورویی می بینید که نزد عده ای یک رو و نزد عده ای رویی دیگر دارند».

[هر دو روایت آن صحیح است] [هر دو روایت متفق علیه است]

اینکه رسول الله صلی الله علیه وسلم مردم را به معادن تشبیه می کند، به چند نکته اشاره دارد از جمله: - اختلاف طبیعت و سرشت انسان ها و صفات و ویژگی های اخلاقی آنها؛ و این مساله از تفاوت معادن فهمیده می شود. - تفاوت مردم در پذیرش اصلاح؛ چنانکه عده ای به آسانی آن را می پذیرند و برخی از آنها نیاز به صبر و بردباری دارند. و برخی از آنها ظرفیت پذیرش آن را ندارند. چنانکه معادن به این صورت می باشند. - تفاوت مردم در جایگاه و مقام؛ و این مساله از تفاوت ارزش و بهای معادن فهمیده می شود. چنانکه معادن طلا و نقره ارزشمند هستند و ارزش معادنی مانند معدن آهن و قلع کمتر است. - تشبیه مردم به معادن نیز به میزان تحمل نیز اشاره دارد. مراد از معادن عرب، اصول و انساب آنها می باشد. و اینکه می فرماید: «خِيَارُهُمْ في الجَاهِلِيَّةِ خِيارُهُمْ في الإِسْلامِ إِذَا فَقهُوا» یعنی گرامی ترین مردم از نگاه اصل و نسب، همان کسانی هستند که در جاهلیت بهترین بوده اند، اما به شرطی که شناخت و دانش دینی داشته باشند؛ به عنوان مثال بنی هاشم از حیث اصل و نسب بهترین مردم در میان قریش بودند؛ چنانکه در نص حدیث صحیح وارد شده است. و در اسلام نیز چنین هستند اما به شرطی که نسبت به دین الله شناخت داشته باشند و آن را فراگیرند؛ اما اگر این علم و دانش دینی را فرانگیرند، هرچند از نگاه اصل و نسب بهترین عرب ها باشند، اما گرامی ترین مردم نزد الله نیستند و به دنبال آن بهترین مردم نخواهند بود. این مساله گویای این مهم است که انسان به خاطر نسبش شرافت دارد به شرطی که فهم دینی داشته باشد؛ تردیدی نیست که اصل و نسب تاثیر خود را دارد و به همین دلیل بنی هاشم پاک ترین مردم و شریف ترین مردم از نگاه نسب بودند و به دنبال آن رسول الله صلی الله علیه وسلم اشرف مخلوقات می باشد. «الله بهتر می داند که

رسالت خود را کجا قرار دهد». و اگر در بین فرزندان آدم، این اصل و نسب شریف ترین آنها نبود، رسول الله صلی الله علیه وسلم در میان آن نبود؛ و رسول الله صلی الله علیه وسلم از بهترین اصل و نسب ها مبعوث شد. این جمله از حدیث، در دو حدیث آمده است. حدیث اول به این ترتیب به پایان می رسد: «والأَرْوَاحُ جُنُودٌ مُجَنَّدَة، فَمَا تَعَارَفَ مِنْهَا ائتَلَفَ، وَمَا تَنَاكَرَ مِنْهَا اخْتَلَفَ»: «و ارواح مانند سپاهیان و دسته های گوناگون یک سپاه هستند؛ آنها که یکدیگر را بشناسند (و ویژگی های یکسانی داشته باشند)، با هم الفت می گیرند و آنها که یکدیگر را نشناسند، از هم دور می شوند و با هم اُنس نمی گیرند». احتمال دارد این مساله به همانندی ارواح در خیر و شر اشاره داشته باشد؛ چنانکه خیر و خوب به مانند آن گرایش می یابد و شر و بد به نظیر آن؛ و به این ترتیب ارواح بر حسب خیر و شری که بر آن سرشته شده اند، یکدیگر را می شناسند؛ و چون در این زمینه اشتراک داشته باشند، یکدیگر را شناسایی کرده و با هم خو می گیرند و اگر اشتراکی نداشته باشد، یکدیگر را نمی شناسند و ارتباط برقرار نمی کنند. و احتمال دارد مراد از آن خبر دادن از آغاز خلقت باشد با این توضیح که: ارواح قبل از اجسام خلق شده و با هم ملاقات و برخورد داشته اند؛ زمانی که در اجسام دمیده شدند، یکدیگر را بر اساس همان سرشت اولیه می شناسند و به این ترتیب شناخت و عدم شناخت آنها به اصل سرشت آنها بازمی گردد و افراد خوب به خوبان و افراد بد به بدان تمایل می یابند. ابن عبدالسلام می گوید: مراد از شناخت و عدم شناخت، نزدیکی در صفات و تفاوت در آنها می باشد. چون وقتی کسی صفاتی مخالف تو داشته باشد او را نمی شناسی. حدیث دوم به این ترتیب به پایان می رسد: «وتَجِدُونَ خِيَارَ النَّاسِ في هَذَا الشَّأنِ أَشَدَّهُمْ كَرَاهِيَةً لَهُ، وَتَجِدُونَ شَرَّ النَّاسِ ذَا الوَجْهَينِ، الَّذِي يَأتِي هؤُلاءِ بِوَجْهٍ، وَهَؤُلاءِ بِوَجْهٍ»: «و بهترین مردم را در امر خلافت کسانی می یابید که پذیرش آن را ناگوار می شمارند و بدترین مردم را افراد دورویی می بینید که نزد عده ای یک رو و نزد عده ای رویی دیگر دارند». یعنی بهترین مردم را در امر خلافت و امارت و اجرای احکام کسانی می یابید که بر امارت و خلافت حریص و مشتاق نیستند؛ چنین کسانی وقتی عهده دار مسئولیت می شوند، توفیق یافته و موفق شده و استوار پیش می روند، بر خلاف کسانی که نسبت به آن حریص و مشتاق هستند. اما بدترین مردم انسان های دو رو هستند؛ کسی که نزد عده ای یک رو و نزد عده ای دیگر رویی دیگر دارد. و رفتارش همچون منافقان است که الله متعال در مورد آنها می فرماید: «وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَى شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِئُونَ» [بقره: 14] «و هنگام ملاقات با مؤمنان می گویند: ما [نیز همچون شما] ایمان آورده ایم و هنگامی که با بزرگان شیطان صفتِ خود خلوت می کنند می گویند: ما با شما هستیم و فقط [آنان را] مسخره می کنیم». متاسفانه این اخلاق و رفتار زشت در بین بسیاری از مردم دیده می شود که شعبه ای از نفاق است؛ افرادی که نزد انسان می آیند و تملق و چاپلوسی نموده و شروع به تعریف و ستایش می کنند و گاهی در این زمینه غلو و افراط می کنند اما وقتی او را ترک می کنند، پشت سر از او بدگویی نموده و دشنام داده و عیبجویی نموده و متهمش می کنند. و این از گناهان کبیره است چون رسول الله صلی الله علیه وسلم فاعل آن را بدترین مردم توصیف کرده است.

http://www.sunnah.global/hadeeth/fa/show/6367